

و منکوب شدند باز روی دل بایران نموده و اقتضات گمشده خود را در این سرزمین جستجو کردند



### تصرف داغستان و سواحل خزر - تقسیم ایران

#### میان روس و عثمانی

موقعی که پادشاه جوان فکر قوی الاراده ای مانند بطر کبیر در روسیه بعرضه آمد تصادفاً سلسله کهن سال صفویه در ایران روبانحطاط و انقراض نهاده بود. همینکه بطر این وضع را مشاهده کرد موقع را برای اعمال سیاست شرقی خود مغتنم شمرد. برای دست یافتن بفلات ایران واقیانوس هند لازم بود که قبلا ایالات و ممالک خراج گذار ایران را در شمال غربی و شمال شرقی یعنی در قفقازیه و ترکستان مستخر نماید. موقع مناسبی برای اجرای این مقصود پیش آمد یعنی در قفقازیه باتباع روس صدمات و خساراتی وارد شده بود که در تعقیب آن بطر کبیر شخصی را بایران فرستاده و مطالبه چهار ~~ص~~ کرور منات خسارات وارده بر اتباع خود نمود. وقتی که نماینده بطر باصفهان رسید افغانها صفویه را منقرض نموده و خود بجای آنان حکومت میگردند. محمود افغان بنماینده بطر اظهار داشت که اوتسلطی بر اقوام قفقازی ندارد و خسارات وارده را مربوط بخود ندانسته و از پرداختن آنها امتناع نمود. این خود بهانه ای بدست روسها در تصرف داغستان داد و شهر در بند کرسی نشین آنرا در سال ۱۷۲۲ گرفتند. در این موقع بطر کبیر شخصاً بشونی که بتسخیر قفقاز آمده بود ریاست مینمود.

پس از تسخیر داغستان روسها بطرف جنوب سوازیب شده باد گوبه را در ۱۷۲۳ گرفته و قشون به گیلان و استراباد وارد نمودند.

در سواحل شرقی بحر خزر نیز تصرفاتی نموده در سال ۱۷۱۶

در کراسناو دسک که حالیه از بنادر معتبر ترکستان و سر خط راه آهن است استقرار یافتند و باین طریق از دو ساحل بحر خزر بطرف جنوب پیش آمدند.



چون در این اوان طهماسب میرزا پسر شاه سلطان حسین در صدد بدست آوردن تاج و تخت پدری بود از بطر کبیر مدد خواست. معاهده ای بین او و نزار انعقاد یافت که بموجب آن در بند ، باد کوبه ، شیروان ، گیلان ، مازندران و استراباد را بروسیه وامیکذاشت و در عوض بطر کبیر باو وعده میداد که افغانه را از ایران بیرون کند و سلسله صفویه را باز بسطت برساند . . .

عثمانیها که نسبت بایران کینه دیرینه مذهبی و سیاسی بخصوص با سلسله صفویه داشتند مانند روسها چشم طمع بقسمتی از اراضی ایران دوخته بودند . در این موقع که هرج و مرج بر این سر زمین سلطنت مینمود موقع را مغتنم شمرده ایالات غربی ایران یعنی ازمنستان و آذربایجان و کردستان را تا همدان تصرف نمودند .

ولی پیشرفت روسها آنها را خیلی متوحش داشت و میخواستند اعلان جهاد برضد آنها بدهند . <sup>بنا بر این منظور</sup> در این تاریخ دوره رقابت روس و عثمانی در ایران بود .

سفیر فرانسه در اسلامبول واسطه عقد معاهده تقسیمی میان روس و عثمانی گردید : بنا بر این قرارداد ولایات شمالی سهم روسیه و ایالات شمال غربی تا همدان قسمت عثمانیها میگردد . بی مناسبت نیست یاد آوری کنیم که باز دیپلماتهای فرانسوی بودند که مخفیانه در سال ۱۹۰۶ موقع کنفرانس الجزیره واسطه عقد معاهده ای شدند که سال بعد در ۱۹۰۷ ایران را میان روس و انگلیس بمناطق نفوذ تقسیم مینمود . . . کمی بعد نادرشاه افشار همه این معاهده ها را پایمال ، افغانه

را بیرون و مملکت را از عثمانیها پاکیزه نمود و از روسها نیزخواست که قشون خودرا عقب کشند اگرچه آنها در بادی امر حاضر نمیشدند ولی شهرت فتوحات نادری و شکست افغانه و اتراک آنها را هم بر طبق معاهدات رشت و گنجه مجبور کرد خاك ایران را تخلیه نمایند .  
بموجب معاهدات تمام نواحی متصرفه اینطرف رود کور را بایران مسترد نمودند .

پیشرفت سریع سیاستی را که بطر کبیر ایجاد نمود اگر چه پنجاه سال بواسطه سیاست متقابل نادر شاه تا زمان سلطنت قاجاریه (۱۷۹۲) بعقب افتاد ولی در این مدت روسهاییکار تمسختند ، بلکه کترین امپراطریس روسیه در سال ۱۷۷۶ شروع بساختن يك رشته استحکاماتی در شمال قفقاز نمود که بنگاه محکم عملیات جانشینان او گردید . در همان اوان « برناردن دوسن پیر » نقشه ای را کشید و لتس برای تسخیر خبوه تهیه کرده بود نزد ملکه آورد ؛ ولسی این نقشه را بملاحظه اختلاف نظری که بین فیلسوف فرانسوی و سردار روسی پیدا شد بموقع عمل نگذاشتند .



### تسخیر قفقاز و روسی کردن گرجستان

بعد از گذشته شدن نادرشاه در سال ۱۷۴۷ ایران باز در هرج و مرج افتاد . هراکلیوس والسی گرجستان که تابع ایران بود خودرا بزیر حمایت روس آورد و در سال ۱۷۸۳ باکاترین معاهده «تحت الحمايگی» بست که بموجب آن گرجستان از داشتن رابطه مستقیم با ایران و عثمانی ممنوع گردید . در ماده اول این معاهده قید شده است که در آینده هراکلیوس دیگر خودرا « والی گرجستان » که تابعیت ایران را میرساند نخواهد نامید بلکه چون هم عیسوی است و هم با روسیه متحد است

عنوان « تزار گرجستان » را اختیار خواهد کرد. روسیه نیز او را جانشینانش را برای همیشه باین عنوان و مقام خواهد شناخت .

در ماده ۴ همان معاهده نوشته شده که اگر از در باز ایران یا عثمانی پیغامی یا نمایندگی علنی یا مخفی بدر بار تفلیس برسد تزار گرجستان متعهد میشود که روسیه را از آن آگاه سازد و پیش از تصمیم روسیه جوابی بانها نخواهد داد .

در مشرق زمین هر کجا که روسها مظالم سیاسی داشتند ، در گرجستان ارمنستان یا مالک بالکان ، خود را حامی عیسویان میخواندند . در کنگره وینه ۱۸۱۵ و بعد از آن رسماً خواستار بودند که حمایت عیسویان شرق بانها سپرده شود . ولی همانطور ~~یک~~ دریشو در کتاب مسئله شرق مینویسد « در نزد تمام سلاطین روس از بطر کبیرتسا اسکندر دوم که متظاهر باین احساسات مذهبی بودند خیلی مشکل است که حقیقت مذهبی را از منفعت سیاسی تمیز داد .... »

در همان موقعی که امپراطریس « فیلسوف ماب » گرجستان را بزیر حمایت خود میاورد یک « تجارتخانه » در شهر اشرف کنار بحر خزر افتتاح نمود . تمام این اقدامات علامت این بود که سیاست وصیت نامه را از نو تعقیب میکنند و باز راه جنوب را پیش گرفته اند .

آقا محمد خان سرسلسله قاجاریه نبویه خود خواست که با این سیاست تجاوز مخالفت کند و حمله بگرجستان آورده شهر تفلیس را در سال ۱۷۹۵ پس گرفت . روسها از طرف دربند و باد کوبه پیش آمده از رود ارس گذشته ورشت را تهدید کردند ... اما عملیات نظامی هنوز خاتمه نیافته بود که « تزارین » گاترین روس مرد (۱۷۹۶) و شاه ایران آقا محمد خان هم در همان اوقات کشته شد .

پول اول که جانشین گاترین شد قشون روس را طایید و بدون اینکه معاهده صلحی بسته شود در سال ۱۸۰۱ جنگ با ایران را خاتمه

داد. ولی در همان سال در نتیجه توطئه دربار کشته شد. بدون اینکه از پیشینیان خود کمتر «امپریالیست» باشد معهدارویه صلح جوئی را بر طریق جنک خواهی ترجیح داد و برای نیل بمقصود بوسائل دیپلوماسی توسل جست. گرجستان که سابقاً بزیر حمایت روس در آمده بود در زمان او تابع و خراجگذار روسیه شد و کمی بعد هراکل دوم در سال ۱۷۹۸ در گذشت جانشین او ژرژ ۱۲ (که همان گرگین خان باشد) شاهزاده ضعیف النفسی بود و معاهده جدیدی در سال ۱۷۹۹ با روسیه بست که بموجب آن پول امپراطور روسیه شخصاً عنوان تزار گرجستان را اختیار میکند و بسر ژرژ ۱۲ فقط نایب السلطنه مملکت خود خواهد گردید. ژرژ در سال ۱۸۰۰ در تفلیس در گذشت و پسرش داوود نایب السلطنه و اداره کننده گرجستان گردید معهدا اجرای صادقانه معاهدات و وفای بعهد از طرف روسها دوام نمود. در سال ۱۸۰۱ پول بوسیله اوکازی (فرمان) ابلاغ کرد که گرجستان بروسیه الحاق شده است و در این موقع يك دعوت ساختگی را از طرف بزرگان و ملت گرجی بهانه کرد و امر بتصرف گرجستان داد . . . .

فوقاً گفتیم که کشاکشهای بین کاترین و آقا محمد خان بواسطه فوت آنها که تقریباً در يك زمان واقع گردید معوق ماند و جنک هم عملاً بواسطه اینکه پول قشون روس را طلبید خاتمه یافت ولی بدون اینکه هیچ معاهده صلحی منعقد شود. در تاریخ حقوق بین الملل قرون جدید این پيس آمد که جنگی میان دو دولت بدون عقد معاهده قطعی رسماً خاتمه یابد خود یکی از استثناهای نادر است زیرا که بدون معاهده صاحب گرجه عملاً هم جنک تمام شده باشد ولی روابط دو دولت متخاصم که بحالت صلح داخل میشوند مبهم و غیر محقق است و مضار زیادی دارد که اینجا جای بحث در آن نیست



همینکه اسکندر اول به سلطت روسیه رسید سیاست «صاحب‌جویانه» پول اول در روابط با ایران خاتمه یافت. امپراطور جدید در ۱۵ سپتامبر (۱۸۰۱) ابلاغیه‌ای صادر کرد که الحاق ساده و مطلق گرجستان را بروسیه اعلان مینمود. از همان ابتدای ورودشان در گرجستان روسها شروع کردند به حذف کردن و ازمیان بردن کلیه قوانین و تشکیلات ملی گرجستان. تدریس و حتی سخن گفتن بزبان گرجی در مدارس، محاکم و ادارات منع گردید. طبقه روحانیون گرجی نیز طرف عمده و ظلم فاحش روسها واقع گردیدند: دو نفر از آرشو کهای گرجستان را روسها در شهر کوتائیس بقتل رسانیدند. خلاصه روسی کردن گرجستان بشدت تعقیب می‌شد.

شورشهای ملی انجا را بیدترین وضعی با وسائل خونین خاموش کردند. ولی در همان حال و با همان قصد روسی کردن اشراف آن مملکت را بخود جلب کرده و بانها مأموریتهای عالی لشگری و کشوری می‌دادند....

ناراضیهها بیادشاه ایران مراجعه کرده و از او استمداد نمودند. شاه هم مسئول آنها را اجابت کرد و جنگ دوباره میان روس و ایران شروع گردید. روسها گنجه را منصرف شده و در انجا کشتار عمومی کردند و بعد از آن بطرف ایروان حمله آورده ولی در انجا شکست خورده بتفلیس برگشتند. سال بعد قشون روس عملیات نظامی را تجدید کرده و این مرتبه خواستند از انزلی و رشت تهدید بکنند ولی در انجا نیز موفق نشده و به طرف باد کو به عقب نشستند.. زرد خورد باز چندی دوام داشت.



### معاهدات فینکن اشتین و تیلسمیت

این اتفاقات اخیر مصادف بود با جنگهای ناپلیون در اروپا و

نابلیون باتزار محاربه داشت. چور شاه نیز باروسیه در زدو خورد بود پس فرانسه و ایران در حقیقت بطور غیر مستقیم باهم علیه روسیه متحد بودند. در اینصورت طبیعی بنظر میاید که هر دو دولت در صدد انعقاد يك اتحاد رسمی و قطعی بر آیند. نابلیون در نظر داشت كه يك اتحاد مثلثی از فرانسه و عثمانی و ایران بر علیه روسیه تشکیل دهد. ژنرال سباستپانی را باسلامبول و چندین هیئت بی در پی هم بطهران فرستاد. از طرف دیگر موقعی که در لهستان بود سفیر عثمانی و سفیر ایران ( میرزا رضاخان نامی ) را در فینکس اشتین ملاقات کرد. ولی ترکها و ایرانیها با هم دوست نبوده، توافق پیدانمیکردند و دائما در سرحدات باهم جنك داشتند. ایرانیها در سر بین النهرین مدعی عثمانیها بودند. چون عثمانیها مایل بااستقرار روابط دوستی میان ایران و روسیه نبودند اشکالات و موانع در عبور هیئت های فرانسوی برای ایران در خاك خود میترانیدند. ولی نابلیون که با اتحاد ایران خیلی مایل بود يك هیئت مهمی در تحت ریاست ژنرال گاردان (۳) بسفرت سفیر کبیر بدر بار فتحعلی شاه فرستاد.

ایران نیز محتاج بمعاضدت و اتحاد فرانسه بود تا بتواند گرجستان و تمام حوضه رود ككور را متحد قفقاز که از آن خود میدانست تصرف در آورد.

ولی چاه طلبی فتحعلی شاه بیش از اینها بود و میخواست بمدد فرانسه نه تنها گرجستان را از چنگ روسها بیرون آورد بلکه میخواست بغداد و تمام بین النهرین را هم از عثمانیها پس بگیرد.

بعلاوه فتحعلی شاه به نمائنده نابلیون پیشنهاد می کرد که خوب است روسیه را میان فرانسه و ایران و عثمانی تقسیم کنیم یا اینکه یکی از برادرهای امپراطور فرانسه را تزار روسیه نمائیم!

برگردیم بروابط نابلیون و فتحعلی شاه. نابلیون از اتحاد با ایران

که نظر داشت یکی انتظار عملیاتی از طرف نظامیان ایران در قفقاز برای مشغول کردن يك دسته از لشکریان روس و دیگر مخصوصاً نظر به این داشت که بکمک ایران حمله ای به هندوستان نموده و انگلیسها را که بزرگترین دشمنان او بودند در آنجا متوحش نماید. بنابراین ناپلیون نیز بهمان اندازه فتحعلی شاه مایل و محتاج با اتحاد با ایران بود. لہذا معاہدہ ای در ۴ مه ۱۸۰۷ در وینکن اشتمین بین ایران و فرانسه منعقد شد و توسط سفیر ایران امضا گردید. بموجب این معاہدہ ناپلیون ضمانت تمامیت ارضی معالک ایران که گرجستان نیز شامل آنها باشد میکند و تمہد تخلیه نمودن گرجستان را از قشون روس و استرداد قطعی آن بوسیله معاہدہ صالح مینماید. از طرف خود شاه نیز تمہد میشود کہ در قفقاز برخلاف قشون روس عملیات نماید و روابط خود را با انگلیسها قطع کرده به آنها اعلان جنگ بدهد و داخل در دایره احاطہ بری گردد...

ولی بدبختی این معاہدہ آنکہ ناپلیون بزودی با اسکندر اول تزار روسیہ طرح الفت ریخته و در ملاقات تیلیست کہ در آنجا مسئلہ شرق مطرح شد ناپلیون اتحاد خود را با ایران فراموش کرد. از طرف دیگر گاردان بطهران رسیده و معاہدہ وینکن اشتمین را فتحعلی شاه تصدیق کرده بود اما معاہدہ تیلیست ہمرا بہمزد و بی نتیجہ نمود.

جنگ بین ایران و روس کنار چندی عملاً موقوف شدہ بود باز شروع گردید. روسها حمله با ایروان را تہیہ نموده آنجا را محاصره کردند و نجیحچوان را گرفتند. در بحر خزر نیز روسها تہیہ کشتی دیده مہیای حمله بسواحل ایران شدند. در طهران دیگر امید بکمک فرانسه نبود معہذا ایرانیہا بہ تنہائی خود را از اشکالات بیرون آوردند. ساختوی ایروان فاتحانہ در مقابل حمله های روس مقاومت کرده و تلفات زیاد بہ آنها وارد آورد بطوری کہ آنها را مجبور کرد دست از محاصره بردارند و بہ طرف تفلیس عقب بروند.